

دکتر باقر پور کاشانی



برنامهٔ انسان بر اساس خلقتش!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برنامه انسان بر اساس خلقتش!

یک وقت سؤال می‌کنیم خدا چرا خلق کرد؟ می‌گوید از باب رحمت خلق کرد. از باب رحمت خلق کرد؛ حالا هدف ما چیست؟ ما باید چه کار بکنیم؟ یعنی ما چه جور به آن غایت بخواهیم برسیم؟ این جا این آیه مطرح می‌شود: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

این دومی متوجه خدا نمی‌شود، این برنامه نسبت به مخلوق هست؛ آن که رحمت هست متوجه خداست. این چیست؟ می‌گوید ما جن و انس را خلق نکردیم الا اینکه (لِيَعْبُدُونِ)، عبادت کنند. یعنی پس برنامه چیست؟ هدف چیست؟ غایت چیست؟ عبادت هست! عبادت هم به چه معنی هست؟

به معنی اطاعت هست! اطاعت! عبادت یک نفر را بکنی اطاعت محض نسبت به یک نفر هست. اطاعت بخواهی بکنی مقدمه‌اش علم هست. لذا بعضی تفسیرها آوردند ﴿لِيَعْبُدُونِ﴾، «لِيَعْرِفُونِ». باید اول او را عبادت بکنی! برای همین در حدیث هم داریم که: «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ»؛ اول عبادت،

مقدمهٔ عبادت آن هست که بشناسی! اگر شناسی، شرک باشد، یک حقیقت دیگری نادرست به ذهنت به عنوان خدا در نظر بگیری، هر اطاعتی که می‌کنی، پرستشی که می‌کنی، یک بت ذهنی را تو داری عبادت می‌کنی! ببینید وقتی خدا به معنای حقیقی خودش در نظر گرفته نشود، یک تصور نادرستی داشته باشیم، چه در قلب‌مان، چه در ذهن‌مان و ما عبادت بخواهیم بکنیم، یک بتی را داریم می‌پرستیم، چون خدا او نیست! پس باید معرفت باشد! حالا معرفت نسبت به خود آن حقیقت به همان اندازهٔ سعهٔ وجودی که انسان دارد؛ و نکتهٔ دوم، معرفت به اوامر و نواهی، فرامین آن حقیقت. چون عبادت، یعنی اطاعت! ما چطور باید او را اطاعت بکنیم؟ بحث سر این است چطوری باید او را اطاعت بکنیم؟! تا ما ندانیم که از ما چه توقعی دارد، نمی‌توانیم درست آن را اطاعت کنیم.

پس برنامهٔ ما چیست؟ عبادت هست! عبادت چیست؟ اطاعت هست! مقدمهٔ اطاعت چیست؟ علم به آن طاعت هست که بتوانیم اطاعت کنیم؛ علم به آن حقیقت هست که ما بشناسیم تا بتوانیم عبادتش بکنیم. پس این جا اینکه فرمود این برنامه، هدف نسبت به انسان بخواهد تعریف بشود،

چیست؟ عبادت هست. عبادت این است که علم به او داشته باشی، علم به اوامر او داشته باشی، تابع او باشی.

حالا رابطه آیه اول با دوم این‌گونه هست که اصل وجود، رحمت هست، اینکه رزق داده، رحمت هست. اما نسبت به موجود مختار، تداوم آن رحمت، متوقف بر این هست که تو هدف خودت را درست انجام بدهی؛ یعنی متوقف بر اینکه برنامه خودت را صحیح پیش ببری. ممکن است یک نفر مثلاً اصل وجودش رحمت باشد، رزق هم به او بدهد، جهات مختلف بشود، اما بخواهد تمرد بکند!

یعنی عبادت خدا را که نکند، انکار خدا بکند، مخالفت با خدا بکند، پرستش یک حقیقت دیگری هم بکند! این چه جور هست؟ این دیگر آیا تا قبلش رحمت بوده، از این جا به بعد چیست؟ از این جا به بعد چون خودش هدفش را نادرست انتخاب کرده، دیگر در مسیر رحمت او نیست! خودش باعث شده در مسیر نقتت او قرار بگیرد! خودش باعث شده با اختیار خودش باعث شده که در مسیر رحمت او قرار نگیرد.

مثل این می‌ماند خورشید همیشه تابان هست، من درها را می‌بندم، درهای اتاق را می‌بندم که هیچ نوری وارد اتاق نشود! حتی منفذهایش هم پر

می‌کنم! تا اصل این مسأله وجود و جهات مختلف و عقل و رزق و همه این‌ها وقتی نگاه می‌کنیم که از باب رحمت هست. اما برای موجود مجبور همش رحمت هست! یعنی فرض کنید که یک آتش همش رحمت هست، یک سنگ، همش رحمت هست.

اما برای انسان چون به او اختیار داده، اتمام حجت هم کرده، خودش راه خیر و شر را می‌تواند تشخیص بدهد و می‌تواند انتخاب بکند. بر اساس اراده‌ای که آن حقیقت مختار می‌کند، رحمت و نقت به او می‌رسد. یعنی خودش عامل این هست که حتی رحمت را بیشتر بکند! هر چه با اراده خودش سمت پرستش او حرکت بکند، خودش را در معرض نور بیشتر قرار داده، در جهت رحمت بیشتر قرار داده. هر چه این درها را می‌بندد، در جهت تاریکی، بیشتر خودش را قرار داده!

از ناحیه خدا کم و کسری نیست، به خاطر اینکه همه را داده! منتها گفته که خودت، تو می‌توانی انتخاب بکنی! تو خودت با اراده خودت راه سوء را در پیش می‌گیری یا راه خیر را در پیش می‌گیری! در راستای تداوم رحمت او قرار می‌گیری یا پشت می‌کنی به رحمت او در ارتباط با نقت او قرار می‌گیری

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرْجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir